

قاسم مجبعلی مطرح کرد

فاصله بین مذاکره‌کنندگان ایران و آمریکا

گزارش تیرماه آژانس تعیین کننده وضعیت مذاکرات

دور پنجم مذاکرات ایران و آمریکا، با «پیشرفت‌هایی نه چندان قطعی»، روز جمعه ۲ خرداد در رم به پایان رسید. وزیر خارجه عمان که میانجی این گفت‌وگوها میان هیات‌های مذاکره‌کننده بود، ابراز امیدواری کرد در روزهای آینده با روشن شدن مسائل باقی مانده، پیشروی به سمت توافق پایدار ممکن شود. سیدعباس عراقچی نیز اعلام کرد که وزیر خارجه عمان در این دور پیشنهادهایی ارائه کرده است که قرار است در تهران و واشینگتن بررسی شود و پس از آن، وضعیت دور ششم روشن خواهد شد. این دور از مذاکرات در شرایطی برگزار می‌شد که طی ده روز گذشته، موضع‌گیری‌ها در مورد تداوم برنامه غنی‌سازی ایران، حساسیت برانگیز شده بود. در حالی که وزیر خارجه آمریکا و استیو ویتکاف بارها از به صفر رساندن غنی‌سازی در ایران می‌گفتند، رهبر انقلاب و سایر مقامات بر لزوم حفظ حق غنی‌سازی در چارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) تاکید داشتند. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، پیش از شروع مذاکرات با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «غنی‌سازی صرفه‌توافق نداریم.» هرچند به نظر می‌رسید این جدال بر روند مذاکره تأثیر بگذارد، عراقچی دور پنجم مذاکرات را «یکی از حرفه‌ای‌ترین مراحل» دانست. او پس از پایان دور پنجم با تأکید بر اینکه ایران مواضع خود را به صورت شفاف بیان کرده است، گفت: «به نظر می‌رسد طرف آمریکایی اکنون درک روشن‌تر و دقیق‌تری از این مواضع دارد.» با توجه به گفته‌های سیدعباس عراقچی، به نظر می‌رسد عمان با ارائه راهکارهایی تازه برای حل چالش‌ها، نقش مهمی در پیشبرد این دور از گفت‌وگوها داشته است. عراقچی با اشاره به کارآمدی پیشنهادات بدر بوسعیدی، گفت: «قرار است دو طرف دیدگاه‌های خود را نسبت به این پیشنهادات و راهکارها ارائه دهند و سپس دور بعدی مذاکرات تنظیم و برگزار شود. امیدوارم که در دور بعدی، اگر این راهکارها در پایتخت‌ها مورد توجه قرار گیرند، بتوانیم وارد جزئیات بیشتری شویم.

❖ غنی‌سازی

یک دیپلمات پیشین درباره روند آن چه تاکنون در مذاکرات رخ داده اظهار داشت: اگر با دقت به مصاحبه‌ها و گاه بیانیه‌هایی که بعد از مذاکرات چه از سوی مذاکره‌کنندگان کشورمان یا ویتکاف و ایوزارت خارجه عمان انجام یا صادر شده نگاه کنیم، همه حاکی از این است که طرفین علاقه‌مند به ادامه مذاکرات هستند، اما توافق کامل صورت نگرفته و فاصله‌ها زیاد است و عمان برای شکستن این بن بست، یک سری پیشنهادات داده است و گویابر اساس این پیشنهادات قرار است ایران و آمریکا در تهران این موارد را با مسئولان بالاتر و تصمیم‌گیر مطرح کنند و بعد بازگردند و پاسخ بدهند و به نظر می‌رسد که فعلا نیز در این مرحله هستند. قاسم مجبعلی گفت: اما نباید آن چه تاکنون پیش رفته به نظر مشخص است که مشکل اصلی و کلیدی مساله غنی‌سازی است و تا زمانی که این مساله حل و وصل نشود و طرفین نسبت به توافقی بر سر آن ابراز رضایت نکنند بعد است که موضوعات بعدی مورد بحث قرار گیرد یعنی مساله لغو یا تعلیق تحریم‌ها و همه موارد جانبی مربوط به پس از توافق بر سر موضوع غنی‌سازی رخ خواهد داد. وی ادامه داد: مساله این است که با گذشت به برجام یا استفاده از برخی بندهای آن، می‌تواند مسیر رسیدن به توافق را هموارتر کند. هرچند برجام مربوط به گذشته است، اما چارچوبی اجرایی برای یک توافق چند جانبه فراهم کرده بود. اکنون گرچه با یک توافق دو جانبه مواجه هستیم، اما ارجاع به بندهای برجام در خصوص غنی‌سازی، همچنان امکان‌پذیر است. در مورد غنی‌سازی، نکته اینجاست که ایران، با توجه به نداشتن نیروگاه فعال، نیاز به ارائه استدلالی قوی برای ادامه غنی‌سازی دارد. این موضوع مستقیما به بحث نظرات هامرتبط است، باید میانه این دو، ترکیبی منطقی ایجاد شود تا به نتیجه‌ای قابل قبول برسند. راه دیگر آن است که به توافقی برسند که در آن غنی‌سازی ایران پذیرفته شود، اما در صورت ایجاد نیروگاه، وارد مرحله‌ای از تعلیق شود.

❖ اسنپ بیک

مجبعلی درباره تهدید بازگشت تحریم‌های سازمان ملل با استفاده از اسنپ بک اروپایی‌ها نیز بیان کرد: در مورد مساله مکانیسم ماشه نیز این تصور که تا اکثر یعنی مهرماه زمان وجود دارد درست نیست. اولتیماتوم زمانی اسنپ بک نهایتا تا سپتامبر است، اما در این بین مساله مهم دو گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که در جولای یعنی تیرماه باید گزارش مذاکرات به نتیجه رسیده باشد. یعنی در پایان خرداد یک گزارش توسط آژانس انرژی اتمی منتشر می‌شود که بعد از آن باید درباره آن تصمیم‌گیری شود. بعد از این گزارش در ماه جولای است که گزارش دور سوم آژانس نیز به فاصله حدود سه ماه در سپتامبر منتشر می‌شود که بر اساس آن آژانس تصمیم می‌گیرد که آن را مصوب کند و در این مرحله در صورت عدم رسیدن به توافق، آژانس می‌تواند پرونده ایران را به شورای حکام آژانس بفرستد و در این حالت است که اروپایی‌ها به دنبال اسنپ بک خواهند رفت. این تحلیلگر سیاسی در ادامه با اشاره به اهمیت گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پایان خردادماه گفت: «در واقع، دو گزارش اصلی وجود دارد؛ یکی در ماه جولای (پایان خرداد) و دیگری در سپتامبر. گزارش اول، یعنی گزارش ماه جولای، تا حد زیادی تکلیف را مشخص خواهد کرد. این گزارش می‌تواند تعیین کند که آیا گزارش سپتامبر پرونده ایران را به شورای حکام ارجاع خواهد داد یا خیر. ارجاع پرونده می‌تواند به معنای فعال شدن مکانیسم ماشه باشد. بنابراین، یا باید توافق پیش از انتشار گزارش ماه جولای حاصل شود، یا اگر این اتفاق نیفتد، در بازه زمانی میان جولای تا سپتامبر، با فوری‌تری بیشتر باید توافق نهایی شود تا روند به مراحل بعدی کشیده نشود. نکته مهم این است که اگر اروپایی‌ها بخواهند مکانیسم اسنپ بک را فعال کنند، به طور معمول حداقل یک ماه زمان نیاز دارند و این به معنای احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت است.

❖ راهی پهن توافق نیست

وی درباره لزوم دستیابی به نقطه توافق میان ایران و آمریکا نیز اظهار داشت: روند کنونی نشان می‌دهد که در حال حاضر چراه‌ای جز رسیدن به توافق برای ایران باقی نمانده است. حال این‌که شکل دقیق توافق چه باشد، موضوعی جداگانه است، اما دست کم بر سر اصل ضرورت توافق، میان دو طرف نوعی تفاهم وجود دارد. با این حال، موفقیت مذاکرات به دو مسئله کلیدی بستگی دارد: یکی میزان غنی‌سازی و سطح نظارت‌ها، و دیگری موضوع لغو تحریم‌ها. این مسائل باید به طور هم‌زمان و موازی مورد مذاکره قرار گیرند. چنانچه هر یک از این موارد بدون راه‌حل باقی بماند، دستیابی به توافق نهایی ممکن نخواهد بود.

محمدتقی میبدی یزدی در گفت وگوبا «آرمان ملی»:

جریان اصلاحات

باید گفتمان جدیدی خلق کند



به قدرت رسیدن احمدی نژاد خنجر از پشت به اصلاحات بود

میلیاردها دلار هزینه شد که گفتمان اصلاحات از بین برود

دوشنبه
۰۵ • ۰۳ • ۱۴۰۴
۲۸ ذی القعدة ۱۴۴۶ ه‍.ق / ۲۶ می ۲۰۲۵

سال هشتم
شماره ۲۱۱۷
armanmeli.ir



یزدی عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم و از نواندیشان دینی در ایران گفت وگو کرده است. میبدی یزدی در این زمینه معتقد است: «ماهیت گفتمان اصلاح طلبی به شکلی بود که باید از گفتمانی که در سال ۷۶ و ۸۰ وجود داشت فراتر می‌رفت و با نیروها و گفتمان جدیدی مواجه می‌شد. اصلاح طلبان باید با نسل جدی ارتباط بیشتری برقرار می‌کردند و افراد بیشتری را جذب می‌کردند که این اتفاق رخ نداد. از سوی دیگر شهرستان‌ها به حال خود رها شد و به روزرسانی گفتمان اصلاحات از نظر تئوری و نظریه نیز متوقف شد. برخی از اصلاح طلبان به فکر کسب قدرت و پست و مقام افتادند و به همین دلیل اهداف اصلاح طلبی را فدای منافع خود کردند. از سوی دیگر برخی نیز کار را رها کردند و نسبت به آینده اصلاح طلبی بی تفاوت و بی توجه شدند.» در ادامه محصل این گفت وگو را می‌خوانید.

در دولت اصلاحات مشکلات ما با جهان در حال حل شدن بود و تا حدود زیادی نیز حل شد. به همین دلیل من معتقدم دوم خرداد سال ۷۶ دست‌آورد‌های مهم و بزرگی برای کشور به همراه داشت

جریان اصلاحات نیز مشکلاتی وجود داشت که نمی‌توان به راحتی از کنار آنها عبور کرد. در بیرون از جریان اصلاحات گروه‌های مختلفی وجود داشتند که تلاش می‌کردند جریان اصلاحات به نتیجه نرسید که برخی روزنامه‌ها در این کار پیشرو بودند که با همه‌سازی‌هایی که در این زمینه ایجاد می‌کردند فضای جامعه ملتهب می‌شد. البته گروه‌های دیگری نیز در کشور وجود داشتند که به دنبال شکست پروسه اصلاحات بودند و تا به امروز در کشور حضور دارند. این گروه، گروه‌های دیگر را بر علیه دولت اصلاحات بسیج کرد تا دولت اصلاحات به اهداف خود دست پیدا نکند. در درون نیز برخی انحصارگرایی‌ها وجود داشت که کار ساخت کرده بود. از سوی دیگر برخی از دوستان در مقابل آقای هاشمی ایستادند که نباید این اتفاق رخ می‌داد و بلکه باید به آقای هاشمی همکاری می‌کردند. هاشمی از ارکان اصلی انقلاب و یکی از مغزهای متفکر نظام بود که می‌توانست پشتوانه مهمی برای جریان اصلاحات به شمار برود. در واقع در درون جریان اصلاحات نوعی انحصارگرایی به وجود آمد که در نهایت به جریان اصلاحات ضربه و آسیب زد. البته آقای خاتمی میرا از این گروه‌ها بود و همواره تلاش می‌کند همه گروه‌ها و افراد را به گفتمان اصلاحات جذب کند.

گفتمانی که اصلاح طلبان به نسل جدید ارائه دادند چه تفاوت‌هایی با ماهیت اصلی اصلاح طلبی داشت و آیا نسل جدید توانست با آن ارتباط برقرار کند یا خیر؟

اگر گفتمان اصلاحات با قدرت به مسیر خود ادامه می‌داد و به نسل جدید می‌رسید این امیدواری وجود داشت که بتوانند در بین نسل جدید نیز جایگاه ممتازی داشته باشد. با این وجود چنین اتفاقی رخ نداد و نیروهای جریان اصلاحات نیز نتوانستند به شکلی رفتار کنند که بتوانند با نسل جدید ارتباط برقرار کند. در واقع گفتمان اصلاحات نتوانست گفتمان مناسب نسل جدید ارائه کند و به همین دلیل نیز ارتباط قوی بین نسل جدید و گفتمان اصلاحات به وجود نیامده است. انتظاری که جامعه از اصلاح طلبان داشتند نیز بیش از این بود که در شرایط کنونی در کشور وجود دارد. البته که محدودیت‌های زیادی در این زمینه وجود داشت و موانع متعددی در مسیر راه آنها قرار گرفته بود. با این وجود از جانب اصلاح طلبان نیز قصورهایی وجود داشت.

یک تحلیلگر مسائل بین الملل:

روابط ایران و آمریکادر حال حاضر در وضعیت «تنش مهارشده» قرار دارد

جمله از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کشورهای اروپایی، به حفظ گزینه دیپلماسی کمک کرده است. با این حال، مواضع سخت‌گیرانه آمریکا، مانند تأکید استیو ویتکاف بر توقف کامل غنی‌سازی و پاسخ ایران که آن را «دور از واقعیت» می‌خواند، نشان دهنده شکستگی این روند است. این استاد دانشگاه در پاسخ به این پرسشی که دیدار نماینده آمریکا با رئیس‌موساد چه تأثیری بر فضای مذاکرات و ساریبوهای احتمالی آینده خواهد داشت، اظهار کرد: این دیدار پیش از مذاکرات اخیر، پیام‌های چندانگه‌ای به همراه داشت و فضای مذاکرات را پیچیده‌تر کرد. ظاهرا این دیدار تلاشی از سوی دولت ترامپ برای آرام‌سازی تل‌آویو بود تا اسرائیل را از اقدامات یک جانبه،

چه قصورهایی؟ ماهیت گفتمان اصلاح طلبی به شکلی بود که باید از گفتمانی که در سال ۷۶ و ۸۰ وجود داشت فراتر می‌رفت و با نیروها و گفتمان جدیدی مواجه می‌شد. اصلاح طلبان باید با نسل جدید ارتباط بیشتری برقرار می‌کردند و افراد بیشتری را جذب می‌کردند که این اتفاق رخ نداد. از سوی دیگر شهرستان‌ها به حال خود رها شد و به روزرسانی گفتمان اصلاحات از نظر تئوری و نظریه نیز متوقف شد. برخی از اصلاح طلبان به فکر کسب قدرت و پست و مقام افتادند و به همین دلیل اهداف اصلاح طلبی را فدای منافع خود کردند. از سوی دیگر برخی نیز کار را رها کردند و نسبت به آینده اصلاح طلبی بی تفاوت و بی توجه شدند.

گروه‌های رادیکال همواره دنبال فاصله‌انداختن بین گفتمان اصلاحات و ساختار سیاسی کشور بوده‌اند. این تلاش‌ها به چه میزان برای توسعه کشور، خسران به وجود آورد؟

واقعیت این است که این فاصله برای کشور خسران و پیامدهای منفی زیادی به وجود آورد. یکی از مهم‌ترین آن رویکردی بود که آقای خاتمی و اصلاح طلبان در زمینه سیاست خارجی دنبال می‌کردند که می‌توانست بسیاری از گره‌ها را باز کند و فرصت‌های جدیدی را برای کشور به وجود بیاورد. اگر رویکردی که خاتمی در هشت سال ریاست جمهوری خود دنبال می‌کرد در دولت‌های بعدی نیز ادامه پیدا می‌کرد کشور با تحریم و فشارهای بین‌المللی مواجه نمی‌شود و پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده نمی‌شد. طول این سال‌ها پرونده هسته‌ای کشور و مذاکرات زیادی که صورت گرفت باعث شد که کشور هزینه‌های زیادی را متحمل شود. بدون تردید اگر رویکرد دولت خاتمی ادامه پیدا می‌کرد نیاز به پرداخت این همه هزینه برای پرونده هسته‌ای و مذاکرات وجود نداشت. پس از دهمه آقای خاتمی دولتی در کشور بر سر کار آمد که از سوی حامیانش انحرافی قلمداد شد و برنامه خاصی برای مدیریت کشور نداشت و تنها به کشور آسیب وارد کرد.

آیا در شرایط کنونی می‌توان عنوان کرد گفتمان اصلاحات پس از ۲۸ سال شکست خورده و به اهداف و آرمان‌هایی که داشت نرسیده است؟

نمی‌توان به صورت قطعی عنوان کرد که گفتمان اصلاحات در ایران شکست خورده است. واقعیت این است که شرایط به سمتی رفته که گفتمان اصلاحات جایگاه و رونق گذشته خود را از دست داده است. البته این به معنای ناامیدی نیست و بلکه هنوز امیدهایی وجود دارد. باید راه و مسیر جدید ایجاد کرد و گفتمان نویی خلق کرد. مشکلات کشور به شکلی است که با انقلاب و همه‌های داخلی و خارجی حل نمی‌شود و تنها مسیری که می‌تواند کشور را از این چالش‌ها عبور بدهد اصلاحات است. به همین دلیل نیز باید گفتمان جدیدی و با بارویکرد پارادایم شیف گفتمان جدید و به روز خلق شود که بتواند به نیازهای نسل جدید پاسخ بدهد.

احتمال پذیرش طرح ایران («سلاح هسته‌ای صفر=توافق؛ غنی‌سازی صفر=بدون توافق»)، عنوان کرد: فرمول ایران که بر حفظ حق غنی‌سازی به عنوان بخشی از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای تأکید دارد، نشان دهنده خط قرمز تهران است. البته احتمال اینکه ایران توقف غنی‌سازی را برای مدت مشخصی بپذیرد، وجود دارد؛ اما از قابلیت غنی‌سازی صرف‌نظر نخواهد کرد. بنابراین، تحقق سناریوی توقف کامل غنی‌سازی درازای دریافت اوانیوم‌وارداتی بسیار بعید به نظر می‌رسد. با توجه به تجربه خروج آمریکا از برجام در ۲۰۱۸، بی‌اعتمادی ایران نسبت به وابستگی به اورانیوم وارداتی منطقی است. قرشی در خصوص آینده روابط ایران و آمریکا تأکید کرد: روابط ایران و آمریکا در حال حاضر در وضعیت «تنش مهارشده» قرار دارد، نه به سمت گشایش کامل پیش می‌رود و ناره‌ها، به سمت گشایش آشکار، آینده‌این روابط به شدت تحت تأثیر نتیجه مذاکرات هسته‌ای، تحولات منطقه‌ای (مانند جنگ غزه)، و عوامل فرامنطقه‌ای (مانند رقابت چین و آمریکا یا بحران انرژی) قرار دارد.

یادداشت

آینده هوش مصنوعی در ایران



سجاد عابدی

کارشناس تکنولوژی

جهان امروز، با روی آوردن کشورها به هوش مصنوعی و الگوریتم‌های رای پیش‌بینی رویدادها، سیاست خارجی به کلی تغییر شکل خواهد داد. چراکه کشورها در حالی با یکدیگر تعامل خواهند داشت که می‌دانند هر حرکتشان ممکن است روزها، هفته‌ها یا ماه‌ها جلوتر پیش‌بینی شده باشد. چنین تغییر شکلی دنیای کسب‌وکار و روابط ژئوپلیتیکی را متحول خواهد کرد. هوش مصنوعی به عنوان ابزاری جدید که هنوز بسیاری از وجوه آن ناشناخته است، به هر حوزه‌ای که ورود کند می‌تواند حساسیت‌هایی را برانگیزد و نگرانی‌های را ایجاد کند. اما شاید حساس‌ترین حوزه‌ای که بیم آن می‌رود مضرات هوش مصنوعی در آن بیش از مزایایش باشد، عرصه سیاست است.

بعد از ابلاغ مصوبه «نهایی‌سازی و تصویب سند ملی هوش مصنوعی جمهوری اسلامی ایران» در ۹ دی ماه ۱۴۰۲ توسط دولت سیزدهم، ستاد علم و فناوری دبیرخانه شورامأموریت داشت این سند را با همکاری وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی ذی‌نفع و با استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها تدوین کند. نیز ۱۲ خرداد ۱۴۰۳ محمد مخبر، ماده واحده «تشکیل شورای ملی راهبری و تأسیس سازمان ملی هوش مصنوعی» را برای اجرا ابلاغ کرد. سازمان ملی هوش مصنوعی ایران، سه شنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۳، با حضور محمد مخبر و دکتر دهقانی فیروزآبادی معاون سابق علمی و فناوری ریاست جمهوری افتتاح شد. سازمان ملی هوش مصنوعی ایران (AIO) یکی از سازمان‌های تحت نظارت دولت جمهوری اسلامی ایران است و مسئولیت برنامه‌ریزی و هماهنگی موضوعات و مسائل مربوط به هوش مصنوعی در کشور در سطوح مختلف دولتی را به عهده دارد. این سازمان به عنوان نهادی مستقل تحت نظر ریاست جمهوری فعالیت خواهد کرد.

با وجود این گزارش‌ها نشان می‌دهد که دستگاه‌های مختلف در موضوع هوش مصنوعی به صورت جزیره‌ای عمل کرده و این یکپارچه‌سازی و سامان‌دهی اسناد مختلف در حوزه هوش مصنوعی هنوز اتفاق نیافتاده و این امر نه تنها مانع از پیشرفت در این زمینه می‌شود، بلکه می‌تواند منجر به هدر رفتن منابع و فرصت‌ها نیز شود. با توجه به اهمیت هوش مصنوعی در شرایط امروز و نقش کلیدی آن در آینده بشریت، تمرکز در ساماندهی این حوزه می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای کشور به همراه داشته باشد. ضروری است که با اتخاذ رویکردی جامع و منسجم، نسبت به یکپارچه‌سازی امور هوش مصنوعی در کشور اقدام شود. طبق آخرین نتایج به دست آمده رتبه ایران از نظر مقالات و تولید علم در رتبه پانزدهم است اما در استفاده از هوش مصنوعی در زندگی روزمره و فناوری رتبه ۷۷ دارد که نسبت به دو سال گذشته هیچ تغییری نکرده است. بررسی جامع وضعیت هوش مصنوعی در کشور، مستلزم ارزیابی ابعاد مختلفی همچون تولید علم، فعالیت دانشگاه‌ها و میزان نفوذ این فناوری در زندگی روزمره است. ایران در عرصه تولید علم مرتبط با هوش مصنوعی، به ویژه در حوزه‌های مهندسی و علوم کامپیوتر، پیشرفت قابل توجهی داشته و به رتبه اول منطقه و پانزدهم جهان دست یافته است. این دستاورد نشان از پتانسیل بالای کشور در این حوزه دارد. با این حال، نکته قابل تأمل اینجاست که رتبه ایران در کاربرد عملی هوش مصنوعی و ادغام آن در فناوری‌ها و زندگی روزمره، به اندازه تولید علم درخشان نیست. این شکاف میان تولید علم و کاربرد عملی، ضرورت توجه بیشتر به تجاری‌سازی تحقیقات و توسعه زیرساخت‌های لازم برای گسترش کاربردهای هوش مصنوعی را نشان می‌دهد.

برای بهبود وضعیت موجود، پیشنهاد می‌شود بر روی موارد زیر تمرکز شود: تقویت همکاری‌های دانشگاه‌ها و صنعت؛ ایجاد ارتباطات مستحکم‌تر میان محققان دانشگاه و صنایع مختلف، جهت انتقال دانش و تبدیل ایده‌های نوآورانه به محصولات و خدمات کاربردی؛ لزوم هم‌افزایی دستگاه‌ها و ارگان‌های کشور در موضوع هوش مصنوعی حمایت از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان؛ فراهم کردن تسهیلات مالی و زیرساخت‌های لازم برای رشد و توسعه شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی؛ توسعه نیروی انسانی متخصص؛ سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی متخصص در زمینه‌های مختلف هوش مصنوعی و ایجاد برنامه‌های کارآموزی و جذب فارغ‌التحصیلان این رشته. توجه به اخلاق در هوش مصنوعی؛ تدوین و اجرای قوانین و مقررات مناسب برای توسعه اخلاقی و مسئولانه هوش مصنوعی. با اتخاذ این راهکارها، می‌توان انتظار داشت که ایران در آینده نزدیک شاهد رشد چشمگیر کاربردهای هوش مصنوعی در صنایع مختلف و بهبود کیفیت زندگی مردم باشد.